

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده  
شهر آسن - المان

## صیقلِ تقدیس

خامه ز تدبیر ، به جولان نشد  
نامه ز تفسیر ، به پایان نشد  
عشوه ز تقصیر ، شده جلوه گر  
شکوه ز تعبیر ، به هر آن نشد  
جاری شده خونِ دلم از قلم  
بر رقمم واژه ای رقصان نشد  
هر طرفی ، بی سرو پا تاختم  
بی سرو سامانی ، به سامان نشد  
شد جگرم آب و روان هرطرف  
سیل شد و قطره باران نشد  
محرمی، مجرم شد و، اغیار، یار  
شرم و حیا گم شد و پرسیان نشد  
تخمیه نرفت ، به دلم کاشتند  
شاخه ای سبزید و ، شگوفان نشد  
مرغ دل از دام هوس ، برپرید  
جان بفا کرد و به زندان نشد  
دست طلب ، برزده تا آستین  
مشت طمع ، وار حریفان نشد

شیشه دل سخت ، شکستن گرفت  
پتره گری ، وارد میدان نشد  
مُهرِ تقدُّس ، به جبینی زدم  
لایق و شایسته ، احسان نشد  
نام و نشان دادمش از شش جهت  
سنگِ سیه ، لعلِ بدخشان نشد  
ای شده معروفِ جهان از برم  
مُنکرِ بگذشته دوران نشد  
شور بُود دستِ منی بی نمک  
بانمک از شوریِ وجدان نشد  
دوش شنیدم ، ز منادیِ حق  
گفت ! نما صبر و ، هراسان نشد  
( صحبتِ ابرار ، غنیمت بدان )  
دست و دل همدم به شیرین نشد  
« نعمت » همین شافی و کافی بود  
تا لچری ، دست و گریبان نشد